

## حملات سایبر به مثابه توسل به زور در سیاق منشور سازمان ملل متحد

فاطمه کیهانلو\*

وحید رضادوست\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۰

### چکیده

یکی از مسائل چالش برانگیز حقوق بین‌الملل در ادوار مختلف، تنظیم روابط دولت‌های متخاصم و شیوه حل و فصل اختلافات آنها با یکدیگر بوده است. در این میان، تا مدت‌های مدید، اصلی‌ترین راه حل اختلاف، جنگ و توسل به زور بود؛ هرچند به مرور نهادینه کردن حقوقی این امر مذموم با هدف کاهش و سپس حذف آن، وجهه همت جامعه بین‌المللی قرار گرفت. از زمانی که اسناد بین‌المللی، جنگ و حمله نظامی را به طور مطلق ممنوع کردند، این اندیشه قوت گرفت که بشریت می‌تواند در سایه این تدبیر، به تحقق صلح و امنیت بین‌المللی امیدوار شود. با این وجود، رشد و توسعه فناوری‌های نوین، چالش‌هایی را در این خصوص ایجاد کرد. فضای سایبر و حملات صورت گرفته در قالب آن، یکی از این چالش‌ها است. نوشتار حاضر، درصدد معرفی این فضا و بررسی نسبت حملات سایبری با حقوق توسل به زور از یک سو (*Jus ad bellum*) و منشور ملل متحد به خصوص مواد (۴) ۲ و (۵) ۱ آن از سوی دیگر است.

### کلید واژگان

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، حملات سایبر، توسل به زور، تهدید به زور، حق بر جنگ.

---

\* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

f.keyhanlou@yahoo.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

Vahidrezadoost@yahoo.com

به زور، اصل حاکم بر روابط میان دولت‌ها بوده است، اما امروزه، مخرب روابط و ناقض حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد. به همین دلیل طی اسناد بین‌المللی، جنگ و توسل به زور در روابط میان دولت‌ها با یکدیگر ابتدا محدود (میثاق جامعه ملل) و سپس ممنوع (میثاق بریان - کلوگ و منشور سازمان ملل متحد) شد.

پس از این تحولات و ممنوع شدن جنگ تجاوزکارانه، نوع جدیدی از روابط، میان دولت‌ها شکل گرفت: اصل صلح بود و جنگ، امری استثنایی محسوب می‌شد؛ یعنی دولت‌ها حق نداشتند با اتکا به قدرت نظامی خود به لشکرکشی و جنگ‌افروزی اقدام کنند. از این مهم‌تر، امروزه، با تغییر پارادایم حقوق بین‌الملل به حالت سازمان‌یافته<sup>۱</sup>، دولت‌ها بر فرض حقانیت هم، حق شروع جنگ را نداشته و نمی‌توانند به عنوان نمونه، با توجه به عدم پرداخت بدهی از سوی یک دولت، علیه آن متوسل به زور شوند.<sup>۲</sup>

در این میان، یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های حقوقی مذکور را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده، اختراع تکنولوژی‌های جدیدی است که می‌توانند در بحث توسل به زور تأثیرگذار باشند. نمونه جدید و کمتر آشنای این تکنولوژی‌ها، امری است که نه در فضای فیزیکی - بیرونی و عینی، که در فضای سایبر رخ می‌دهد.

واژه «فضای سایبر» را نخستین بار ویلیام گیسون<sup>۳</sup> نویسنده داستان‌های علمی تخیلی در کتاب نورومنسر<sup>۴</sup> در سال ۱۹۸۴ به کار برد.<sup>۵</sup> فضای سایبر در اصطلاح به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق کامپیوتر و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی اطلاق می‌شود. یک سیستم آنلاین نمونه‌ای از فضای سایبر است که کاربران آن می‌توانند از طریق ایمیل با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. برخلاف فضای واقعی، در فضای سایبر نیاز به جابه‌جایی‌های فیزیکی نیست و کلیه اعمال فقط از طریق فشردن کلیدها یا حرکات موش‌واره

1. Institutional.

2. Cf. Drago-Porter Convention (1907).

3. William Gibson.

4. Neuromancer .

5. Brier, Soren, Cybersemiotics and the Question of Knowledge, Information and Computation, Gordana Dodog-Crnkovic & Mark Burgin (eds), World Scientific Publishing, 2010, p 14.

(ماوس) انجام می‌شوند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، فضای سایبر، محیطی است مجازی و غیر ملموس که در فضای شبکه‌های بین‌المللی (که از طریق اینترنت به هم وصل می‌شوند) وجود دارد. در این محیط، تمام اطلاعات مربوط به روابط افراد، ملت‌ها، فرهنگ‌ها و کشورها به صورت ملموس و فیزیکی (به صورت نوشته، تصویر، صوت و اسناد) در یک فضای مجازی و به شکل دیجیتالی وجود داشته و قابل استفاده و در دسترس استفاده‌کنندگان و کاربران می‌باشد؛ کاربرانی که از طریق کامپیوتر، اجزای آن و شبکه‌های بین‌المللی به هم مرتبط شده‌اند.<sup>۲</sup>

یکی از چالش‌های اساسی این فضا با حقوق بین‌الملل و به خصوص بحث توسل به زور این است که آیا این فضا می‌تواند محمل حملات نظامی و توسل به زور واقع شود یا خیر. نکته مهم در این موضوع، این است که گرچه در عرف این فضای نوظهور، اصطلاحاتی تحت عنوان جنگ سایبر، حملات سایبر و... وجود دارد، اما مشخص نیست که آیا این به اصطلاح حملات سایبر، می‌توانند تحت عنوان توسل به زور در معنای رایج کلمه در حقوق بین‌الملل مورد تأیید قرار گیرند یا خیر.

به این ترتیب، نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا حملات سایبر می‌توانند تحت عنوان توسل به زور در معنای رایج کلمه و به خصوص ذیل منشور سازمان ملل متحد، تبیین شوند و توالی خاص آن یعنی دفاع مشروع را در پی داشته باشند یا خیر.

لازم به توضیح است که در این نوشتار، صرفاً حملات سایبر انجام شده از سوی دولت‌ها بررسی می‌شوند (نه سایر تابعان و اشخاص حقوق بین‌الملل). همچنین، بحث حاضر، صرفاً ناظر بر ارزیابی مشروعیت این حملات از جهت توسل به زور است (نه از جهات دیگر، از جمله، بحث عدم مداخله).

با توجه به توضیحات فوق، این نوشتار، ابتدا به بحث توسل به زور در چارچوب منشور سازمان ملل متحد به طور کلی و مباحث مربوط به آن خواهد پرداخت (گفتار نخست)؛ و در ادامه، نظریه اعمال سایبر به مثابه توسل به زور را در ترازوی تحقیق خواهد آزمود (گفتار دوم).

۱. "فضای سایبری چیست؟" روزنامه همشهری، نگاه کنید به:

<http://hamshahrionline.ir/details/4411>

۲. باستانی، برومند؛ *جرایم کامپیوتری و اینترنتی جلوه‌ای نوین از بزهکاری*، چاپ اول، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۳، ص ۵۶.

## گفتار نخست: توسل به زور در چارچوب منشور سازمان ملل متحد

### الف) بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد

مهم‌ترین سندی که در مورد ممنوعیت توسل به زور در نظام حقوق بین‌الملل معاصر وجود دارد، منشور ملل متحد و به خصوص، بند ۲ ماده ۴ آن می‌باشد. این بند مقرر می‌دارد: «تمام اعضا در روابط بین‌المللی خود، از توسل یا تهدید به زور، علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولتی، یا از هر روش دیگر ناسازگار با مقاصد ملل متحد خودداری می‌کنند».<sup>۱</sup>

لازم به توضیح است که این ماده، صرفاً جنگ را ممنوع نمی‌کند، بلکه با مطمح نظر قرار دادن توسل به زور، مفهوم وسیع‌تری را مورد توجه قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> همچنین گرچه این ماده به تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی دولت‌ها اشاره می‌کند، اما بنابر دیدگاه غالب محدود به آنها نمی‌شود.<sup>۳</sup>

عبارت «...یا از هر روش دیگر ناسازگار با مقاصد ملل متحد...» نیز مؤید این دیدگاه می‌باشد. اما «زور» که در این ماده ممنوع شده، در هیچ قسمت از منشور تعریف نگردیده است. این در حالی است که بسیاری از اصطلاحات مذکور در منشور که تعریف نشده‌اند، در واقع بی‌نیاز از تعریف هستند و اختلاف نظری درباره آنها دیده نمی‌شود اما این امر درباره مفهوم «زور» صادق نیست و در باب حدود و ثغور آن اختلافات شدیدی وجود دارد.

### ب) مفهوم «زور»

دیوان بین‌المللی دادگستری عبارت «تهدید یا توسل به زور» مندرج در بند ۲ ماده ۴ منشور ملل متحد را در قضیه نیکاراگوئه آزموده و بر این اساس، اعمال مشروع ممکن در این زمینه را در سه مورد گنجانده است که بند ۲ ماده ۴، دو مورد نخست آن را پوشش می‌دهد: حملات مسلحانه، توسل به زور و مداخلات.<sup>۴</sup> دیوان، این موارد را تعریف نکرده، اما خود رأی، چند قرینه برای شناسایی آنها ارائه می‌دهد.

1. U.N. Charter art. 2, para 4.

2. Malcolm Shaw, International Law, 3rd Edition, Cambridge University Press, 1995, p 686.

3. Albrecht Randelzhofer, 'Article 2(4)', in Bruno Simma (ed.), The Charter of the United Nations – A Commentary, Volume I, 2nd Edition, Oxford University Press, 2002, pp 123–124.

4. Hilaire McCoubrey and Nigel D. White, International Law and Armed Conflict, Dartmouth Publishing Company: Aldershot, 1992, p 62.

در درجه نخست، دیوان، بین دو مفهوم «شدیدترین انواع توسل به زور»<sup>۱</sup> (که ماده ۵۱ منشور نیز به آن نظر دارد) و «انواع خفیف‌تر توسل به زور»<sup>۲</sup> قائل به تفاوت می‌شود.<sup>۳</sup> این تفکیک، دیدگاه غالب را مدنظر قرار می‌داد، هرچند در مورد آن اختلاف‌نظرهایی نیز وجود داشت.<sup>۴</sup> دیوان سپس بین اعمال ناقض اصل عدم مداخله و اعمالی که توسل به زور را محقق می‌سازند، قائل به تمایز شد: اعمالی که اصل عرفی عدم مداخله را نقض می‌کنند نیز اگر مستقیم یا غیرمستقیم، به توسل به زور بیانجامند، ناقض اصل عدم توسل به زور در روابط بین‌الملل محسوب می‌گردند.<sup>۵</sup>

در حالی که «زور» در مفهوم مطلق آن مسبوق به «مسلحانه بودن» نیست، از این اصطلاح در غالب موارد «زور مسلحانه» به ذهن متبادر می‌شود و بنابراین، این مفهوم، شامل انواع دیگر زور از جمله زور اقتصادی<sup>۶</sup> نمی‌شود.<sup>۷</sup> البته دیدگاهی که معتقد است این مفهوم، محدود به موارد مسلحانه نیست نیز وجود دارد.<sup>۸</sup> مطابق این دیدگاه که از سوی دولت‌های در حال توسعه مطرح شده مفهوم «زور» فشارهای اقتصادی شدید را نیز شامل می‌شود. دیدگاه اول طرف داران بیشتری دارد.<sup>۹</sup> به عنوان نمونه می‌توان به رد پیشنهاد برزیل در مورد بسط ممنوعیت توسل به زور به اجبار اقتصادی اشاره کرد. این موضوع، همچنین، هنگام بررسی اعلامیه روابط دوستانه نیز مطرح شد؛ اما در نهایت دیدگاهی که مفهوم زور را به زور نظامی محدود می‌دانست غلبه پیدا کرد و اعلامیه مذکور، اجبار اقتصادی را در چارچوب اصل عدم مداخله مورد توجه قرار داد.<sup>۱۰</sup> در

1. The most grave forms of the use of force.

2. Less grave forms of use of force.

3. Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua, (Nicaragua v. United States of America), Judgment, I. C. J. Reports 1986, para 191.

4. Albrecht Randelzhofer, 'Article 51', in Bruno Simma (ed.), The Charter of the United Nations – A Commentary, Volume I, 2nd Edition, Oxford University Press, 2002, pp 790–791.

5. Nicaragua, para 209.

6. Economic force.

7. Randelzhofer, Article 2(4), pp 117–118.

8. Hans Kelsen, Collective Security Under International Law, U.S. Naval War College: Newport, 1954, pp 55-57.

۹. برای مطالعه تفصیلی‌تر در این مورد نگاه کنید به: (Randelzhofer, *Article 2(4)*, p 118)

10. Belatchew Asrat, *Prohibition of Force Under the UN Charter – A Study of Art. 2(4)*, Iustus Förlag: Uppsala, 1991, pp 113–114.

اعلامیه بهبود تأثیر اصل جلوگیری از تهدید یا توسل به زور در روابط بین‌الملل نیز چنین نتیجه-ای مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup> در این اعلامیه، بین مداخلات مسلحانه (شق ۷ بند ۱) و دیگر اجبارها (شق ۸ بند ۱) تفکیک صورت گرفته است. در کل، می‌توان گفت موارد «زور غیرمسلحانه» از قبیل زور اقتصادی در قالب بند ۲ ماده ۴ نمی‌گنجد هرچند ممکن است بر اساس اصل عدم مداخله مغایر حقوق بین‌الملل قلمداد گردند.<sup>۲</sup>

بند ۲ ماده ۴ توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولت یا هر روش ناسازگار با مقاصد منشور ملل متحد را ممنوع کرده است. دیدگاه غالب این است که ادبیات ماده، قصد محدود کردن موارد ممنوعیت را نداشته و بنابراین، این ماده، تمام موارد توسل به زور جز مواردی که خود منشور اجازه داده است را شامل می‌شود.<sup>۳</sup> پادشاهی متحده انگلستان در دادرسی شفاهی قضیه تنگه کورفو ادعا کرد که مین‌روبی آب‌های سرزمینی دولت آلبانی، ناقض بند ۲ ماده ۴ نبوده زیرا، به طور مستقیم به تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی آلبانی مربوط نمی‌شده است.<sup>۴</sup> دیوان این ادعا را نپذیرفت و ادعای انگلستان را کار برد «سیاست زور»<sup>۵</sup> تلقی کرد.<sup>۶</sup> برای اینکه یک عمل توسل به زور محسوب شود مستقیم بودن آن ضرورت ندارد. دیوان بین‌المللی دادگستری این مسئله را در پرونده نیکاراگوئه مورد بحث قرار داد و طی آن اعلام کرد مسلح کردن و آموزش دادن کنتراهای نیکاراگوئه‌ای توسط ایالات متحده با تهدید و توسل به زور در ارتباط است اما برای اینکه این اقدامات توسل به زور محسوب شوند رسیدن به آستانه خاصی ضروری است.<sup>۷</sup>

1. Declaration on the Enhancement of the Effectiveness of the Principle of Refraining from the Threat or Use of Force in International Relations, GA Res. 42/22, 18 November 1987.

2. Derek W. Bowett, 'Economic Coercion and Reprisals by States', 13 The Virginia Journal of International Law 1972, pp 1-2.

3. Michael N. Schmitt, 'Computer Network Attack and the Use of Force in International Law: Thoughts on a Normative Framework', 37 Columbia Journal of Transnational Law, 1999, p 901.

4. The Corfu Channel Case (UK v. Albania), I. C. J. Pleadings, 1950, Volume III. Oral Proceedings, Statement by Sir Eric Beckett (U.K.), Sitting of 12 November 1948, p 296.

5. Policy of force.

6. Corfu Channel, p 35.

7. Nicaragua, para 228.

از سوی دیگر، حمله با انواع جدید سلاح، به خصوص آنها که آثار انفجاری ندارند (مانند سلاح‌های باکتریولوژیکی، بیولوژیکی و شیمیایی)، مسئله توسل به زور را کمی پیچیده می‌کند. این مسئله، توسط یان براونلی<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۳ مورد بررسی قرار گرفت. وی با ارائه دو دلیل استدلال کرد که استفاده از چنین سلاح‌های غیرمتعارفی نیز موجب تحقق توسل به زور می‌شود: نخست اینکه، سازمان‌های مربوط، این موارد را «سلاح» به شمار می‌آورند و دوم و مهم‌تر اینکه، این سلاح‌ها به منظور نابودی جان و مال استفاده می‌شوند.<sup>۲</sup> این رویکرد، خوانشی غایت‌انگار<sup>۳</sup> را نسبت به منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی متناظر با آن دنبال می‌کند زیرا، بر اساس مقدمه منشور ملل متحد، هدف ملل متحد، حفظ نسل‌های پیش‌رو از بلایای جنگ می‌باشد.

### گفتار دوم: اعمال سایبر به مثابه توسل به زور

حقوق دانان در پاسخ به این سؤال که آیا اعمال سایبر، توسل به زور محسوب می‌شوند یا خیر حسب مورد به یکی از سه روش اسناد، اهداف یا آثار اتکا کرده‌اند. روش مبتنی بر سند، اسلحه را به عنوان عامل تعیین‌کننده مدنظر قرار می‌دهد؛ به این معنا که عمل سایبر در صورتی زور تلقی می‌شود که به اسلحه مورد استفاده یا مشابه آن در یک سند بین‌المللی اشاره شده باشد. روش مبتنی بر هدف، هرگونه عملی که زیرساخت‌های اساسی را هدف قرار دهد حمله مسلحانه و بنابراین، زور تلقی می‌کند. روش مبتنی بر آثار، آثار کلی حمله را عامل تعیین‌کننده به حساب می‌آورد.<sup>۴</sup>

برخی گفته‌اند روش مبتنی بر آثار قابل قبول‌تر است. این روش در سند تالین نیز مورد پذیرش واقع شده است.<sup>۵</sup> سند اخیر به ضابطه «مقیاس و آثار» که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در

1. Ian Brownlie.

2. Ian Brownlie, *International Law and the Use of Force by States*, Clarendon Press: Oxford, 1963, p 362.

3. Teleological.

4. Duncan B. Hollis, 'Why States Need an International Law for Information Operations', 11 *Lewis & Clark Law Review*, 2007, p 1041.

۵. مرکز عالی دفاع سایبری جمعی ناتو (NATO CCD COE) در سال ۲۰۰۹، از گروهی متشکل از ۲۰ متخصص مستقل حقوق بین‌الملل دعوت کرد تا راهنمایی را در زمینه قوانین نافذ در جنگ سایبری تدوین نمایند.

پرونده نیکاراگوئه مورد اشاره قرار گرفته، ارجاع می‌دهد. دیوان بیان می‌کند که اعزام گروه‌های مسلح توسط یک دولت به دولت دیگر، یک حمله مسلحانه تلقی می‌شود اگر نتایج حاصل از آن از لحاظ مقیاس و آثار حمله، با یک حمله مسلحانه قابل قیاس باشد.<sup>۱</sup> دیوان در مورد آستانه یک حمله مسلحانه، مقیاس و آثار آن را متذکر می‌شود و سند تالین استفاده از این ملاک را برای تشخیص توسل به زور بودن یک عمل سایبر نیز سودمند تلقی می‌کند.<sup>۲</sup> در این سند آمده است: «اعمالی که منجر به صدمه یا نابودی شخص انسانی یا اشیاء می‌گردد، بی‌تردید، توسل به زور محسوب می‌شوند». این سند، در مورد سایر موارد اعلام می‌کند که اعمال سایبری که تخریب فیزیکی به دنبال ندارند و صرفاً اعتماد و اطمینان در حکومت و یا در اقتصاد را مورد توجه قرار می‌دهند، توسل به زور محسوب نمی‌شوند.<sup>۳</sup> به طور مشابه در سند سیاست دفاع سایبری ارتقا یافته<sup>۴</sup> ( سپتامبر ۲۰۱۴- نشست سران ناتو در ولز انگلستان) نیز آمده است هرگاه یک حمله سایبر آثاری قابل قیاس با یک حمله مسلحانه متعارف به بار آورد ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می‌تواند برای دفاع مشروع جمعی مورد استناد قرار گیرد.<sup>۵</sup>

ماحصل تلاش این گروه بعد از سه سال فعالیت، سند معروف به دستورالعمل تالین است که سندی غیررسمی و غیرالزام‌آور به شمار می‌رود، نگاه کنید به:

Michael N. Schmitt (ed.), **Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare**, Cambridge University Press, 2013, pp 45–46. See also Daniel B. Silver, 'Computer Network Attack as a Use of Force Under Article 2(4)', 76 U.S. Naval War College International Law Studies, 2002, pp 84–85; Oona Hathaway, Rebecca Crotoof, William Perdue and Philip Levitz, 'The Law of Cyber- Attack', 100 California Law Review, 2012, p 847; Heather Harrison Dinniss, **Cyber Warfare and the Laws of War**, Cambridge University Press, 2012, p 74; Dinstein, Yoram Dinstein, 'Computer Network Attacks and Self-Defense', 76 U.S. Naval War College International Law Studies, 2002, p 105.

1. Nicaragua, para 195.

2. Michael N. Schmitt (ed.), op.cit., 2013, pp 45–46.

3. Ibid, pp 46–48.

4. Enhanced Cyber Defence Policy.

5. NATO Summit Updates Cyber Defence Policy, Newport, Wales, on 4-5 September 2014, available at: <https://ccdcoc.org/nato-summit-updates-cyber-defence-policy.html>



اتکا به نظر دیوان یا رویکردهای اعلام شده در اسناد تالین و ولز می‌توانند به بروز مشکلاتی در حقوق بین‌الملل معاصر منتهی شوند.<sup>۱</sup> چنان که پیدا است آستانه مورد اشاره دیوان برای احراز وقوع حملات مسلحانه ناظر بر مواردی است که حمله انجام شده، کیفیت یک حمله مسلحانه را دارد و اساساً امکان آنکه آن را از جنس حمله نظامی تلقی کرد وجود دارد. اما تسری این نظر به حملات سایبر به این معنا که این حملات نیز در صورت داشتن آثار زیاد، به استناد رأی نیکاراگوئه حمله مسلحانه تلقی شوند، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، توجه به اثر تا زمانی می‌تواند موجه باشد که با اصول اولیه مورد پذیرش، تداخل نکند؛ در غیر این صورت، توالی این غایت‌انگاری افراطی، به نتایجی غیرمعقول و ناخواسته منتهی می‌شود که اساساً مدنظر طراحان نظام منشوری توسل به زور نبوده است. برای مثال پذیرش این نظر به این معنا است که اگر از طریق ارتکاب عملی که قطعاً از لحاظ حقوقی، مسلحانه محسوب نمی‌شود (مانند تحریم اقتصادی)، نتایجی به بار آید که اگر یک حمله مسلحانه رخ می‌داد نیز همان نتایج به بار می‌آمد، آن عمل باید در حکم حمله مسلحانه و تابع بند ۲ ماده ۴ منشور قرار گیرد؛ حال آنکه مقررات حقوق بین‌الملل معاصر و رویه دولت‌ها چنین نتیجه‌ای را تأیید نمی‌کنند.

بنابراین، این استدلال که «تقریباً تمامی اشیاء می‌توانند به عنوان سلاح به کار روند؛ در صورتی که قصد به کارگیرنده آنها خصمانه باشد» بویژه با توجه به «تصریح دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در خصوص مشروعیت توسل به سلاح‌های هسته‌ای به اینکه مواد (۴) ۲، ۴۲ و ۵۱ منشور ملل متحد، به تسلیحات خاصی اشاره ندارند»<sup>۲</sup> قابل پذیرش نیست؛ زیرا، منظور دیوان بین‌المللی دادگستری آن بوده که اگر وسیله‌ای ابتدا مسلحانه محسوب شود، استفاده از آن

۱. گفتنی است نظر به اختلاف نظر و خلأهایی که در دستورالعمل تالین ۲۰۱۳ موسوم به تالین ۱ وجود دارد پروژه-ای تحت عنوان تالین ۲ آغاز شده تا مکمل و رافع ابهامات تالین ۱ باشد. مطابق برنامه‌ریزی‌های انجام شده قرار است این پروژه در سال ۲۰۱۶ تکمیل شود. نگاه کنید به:

Kristene Eichensehr, Review of The Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare (Michael N. Schmitt ed., 2013), UCLA Public Law & Legal Theory Series, 2014, available at: <http://escholarship.org/uc/item/8fw1918s#page-1>

۲. علی قاسمی و همکار؛ *حملات سایبری و حقوق بین‌الملل*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۸، تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۶.

J. N. Singh, *Use of Force under International Law*, Harnam Publications: New Delhi, 1984, p 213.

می‌تواند از مصادیق توسل به زور در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، دیوان در این عبارات، به دنبال رد کردن این ادعا بود که کاربرد برخی ابزارها و وسایل مسلحانه توسل به زور محسوب نمی‌شود و برای احراز توسل به زور استفاده از سلاح‌های خاصی مدنظر است. بنابراین، برای اعمال مواد (۴)، ۲، ۴۲ و ۵۱ منشور ملل متحد ابتدا «سلاح بودن» وسیله باید به اثبات برسد؛ نه اینکه چون دیوان اعلام کرده است سلاح خاصی مدنظر نیست، پس هر وسیله‌ای بالقوه، سلاح محسوب گردد.

با همین استدلال می‌توان نظریه مبتنی بر هدف برای تشخیص توسل به زور بودن حملات سایبر را نیز به چالش کشید. زیرا، در هر دوی این دیدگاه‌ها (دیدگاه‌های مبتنی بر آثار و هدف)، برخی اعمال مانند تحریم‌های اقتصادی و مواردی چون سیل، باد و دیگر ابزارهایی که به منظور آسیب رساندن به یک کشور توسط کشور دیگر به صورت مصنوعی انجام می‌شوند، نظامی و توسل به زور محسوب می‌شوند؛ حال آنکه این امر به وضوح، با آنچه مد نظر نویسندگان منشور بوده ناسازگار است.

بنا بر آنچه گذشت، گرچه شاید هیچ یک از روش‌ها و نظریات پیشتر اشاره شده خالی از اشکال نباشند<sup>۱</sup> اما در مجموع، می‌توان از نظریه مبتنی بر سند دفاع کرد که مطابق آن، هر حمله‌ای که «حمله نظامی» در سیاق منشوری محسوب نگردد، حتی اگر آثار زیادی به بار آورد، مشمول بند ۴ ماده ۲ و توسل به زور منشوری نیز تلقی نخواهد شد.

این نظریه (برخلاف نظریات آثار و هدف محور)، نه تنها با متن منشور سازمان ملل تعارض ندارد، بلکه با تفسیرهای مرسوم و رایج از این مقرر نیز متناسب می‌باشد. زیرا، بر اساس این نظریه، از یک سو، حملات نظامی، مشمول توسل به زور و بند ۴ ماده ۲ می‌شوند و از سوی دیگر، مواردی (چون تحریم‌های اقتصادی) که حمله نظامی و مسلحانه محسوب نمی‌شوند، هر چند آثار زیادی به بار آورند، مشمول مقرر مذکور و توسل به زور نمی‌شوند<sup>۲</sup>؛ امری که مد نظر نویسندگان

1. Reese Nguyen, 'Navigating Jus Ad Bellum in the Age of Cyber Warfare', 101 California Law Review, 2013, pp 1117-1124.

۲. گرچه این امر، در نگاه اول برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ناعادلانه و نامناسب به نظر می‌رسد، اما توجه به تاریخ حقوق مخاصمات مسلحانه نشان داده است که خارج کردن برخی مصادیق به ظاهر حمله از مفهوم توسل به زور نه تنها موجب برهم خوردن صلح و به وجود آمدن جنگ نشده، بلکه جلوگیری از زیاده‌خواهی‌های دولت‌های

منشور نیز بوده است.<sup>۱</sup> این در حالی است که همان طور که پیشتر گفته شد، در نظریات آثار و هدف محور، تفکیک فوق، مبهم و بی جواب می‌ماند. به این ترتیب پذیرش این استدلال که «نه اسم و کاربرد عادی یک وسیله، که قصد استفاده و آثار آن است که وسیله‌ای را به سلاح تبدیل می‌کند و بنابراین، استفاده از هر وسیله یا تعدادی از وسایل که تلفات قابل ملاحظه انسانی یا تخریب گسترده اموال را در پی داشته باشند، حمله مسلحانه محسوب می‌شود»<sup>۲</sup> با تردید جدی رو به رو است.

### نتیجه‌گیری

بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد توسل به زور مسلحانه را منع می‌کند. بنابراین، اعمالی که منجر به مرگ و میر و کشتار و دیگر نتایج فاجعه‌آمیز شوند، مادامی که متصف به وصف «مسلحانه» نباشند، نمی‌توانند مشمول ممنوعیت بند ۴ ماده ۲ قرار گیرند. به عنوان نمونه، اعمال زور اقتصادی، حتی اگر آن قدر شدید باشد که موجب به خطر افتادن و از بین رفتن جان انسان‌ها شود مشمول این ماده نشده و به این ترتیب، توسل به زور «مسلحانه» محسوب نمی‌شود؛ گرچه ممکن است از بابتی دیگر ممنوع و مستوجب مسئولیت باشد.

پس اگر حملات سایبر مسلحانه محسوب شوند، موضوع بند ۴ ماده ۲ قرار می‌گیرند حتی اگر منجر به نتایج فاجعه‌آمیز نشوند (همچنان که این حکم در مورد حملات مسلحانه معمول نیز صادق است). در مقابل، اگر این اعمال، مسلحانه محسوب نشوند، در هیچ حالتی مشمول بند ۴ ماده ۲ قرار نخواهند گرفت. در غیر این صورت، باید تمام اعمالی که منجر به نتایج فاجعه‌آمیز مذکور می‌شوند را حمله مسلحانه تلقی کرد که این نتیجه قطعا قابل پذیرش نیست. به عبارت

پیشرفته نظامی را نیز به همراه داشته است. امری که امروزه دولت‌های مذکور به دنبال دور زدن آن هستند. نمونه بارز این موضوع، توسل به نظریاتی چون دفاع مشروع پیش‌گیرانه (Preventive Self Defence) و یا توسل به زور تلقی کردن اعمال سایبر در بحث کنونی می‌باشد که به این دولت‌ها اجازه می‌دهد تا (به اصطلاح) به دفاع مشروع دست بزنند؛ دفاع مشروعی که (بنا بر نظر مدافعان آن) ممکن است پیش‌گیرانه باشد اما سایبری نباشد!

۱. بنا بر مقدمه منشور سازمان ملل متحد، هدف، محفوظ داشتن نسل‌های آینده از مصایب جنگ بوده و نه هر نوع قهر و اجبار.

2. Zemanek, k., "Armed Attack", Max Planck Encyclopedia of Public International Law, Oxford: Oxford University Press, 2010, p 21.

دیگر، یک حمله، یا نظامی است یا خیر؛ اگر نظامی است، در هر حالت، نظامی است؛ چه نتایج فاجعه‌باری داشته باشد، چه نداشته باشد و اگر نظامی نیست، در هیچ حالت نظامی نیست؛ چه نتایج فاجعه‌باری داشته باشد، چه نداشته باشد. این ادعا، امری است که با اطلاق بند ۴ ماده ۲ منشور سازگار است. حال، مخالفین این ادعا از جمله تدوین‌کنندگان دستورالعمل تالین باید ثابت کنند که به چه دلیل (دلیل حقوقی و مستند به موازین بین‌المللی)، بین حملات سایبر از یک سو و حملات عینی و غیر سایبر از سوی دیگر تبعیض قائل می‌شوند و در حملات نخست، به نتایج عمل توجه می‌کنند.

از آنجا که حقوق بین‌الملل، تا حد زیادی با قدرت بین‌المللی، سیاست و روابط بین‌الملل در ارتباط است، بد نیست به توالی این بحث در این زمینه نیز اشاره کرد. تاریخ نظریات حقوق دانان بین‌المللی کشورهای پیشرفته در زمینه مخاصمات مسلحانه نشان‌دهنده آن است که این کشورها (به خصوص ایالات متحده آمریکا و اسرائیل) با توجه به روحیه توسعه‌طلبانه خود، همیشه به موازین محدودکننده بین‌المللی، با سوءظن خاصی نگریسته و تا آنجا که توانسته‌اند، به آنها نپیوسته و یا از راه‌های گوناگون سعی در دور زدن آنها داشته‌اند. نمونه بارز این امر طرح بحث دفاع مشروع پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه می‌باشد که به وضوح با منشور سازمان ملل متحد ناسازگار است. بحث توسل به زور محسوب کردن حملات سایبر نیز از همین جنس است؛ زیرا، یکی از بهترین راه‌ها برای حمله کشورهای پیشرفته به سایر کشورها و توجیه کردن حملات تجاوزی خود به آنها در قالب دفاع مشروع می‌باشد؛ دفاع مشروعی که ضرورتاً سایبری نیست و تمام ویژگی‌های یک جنگ تمام‌عیار در عالم خارج را دارد. نکته‌ای که کار را برای این کشورها آسان می‌کند، مجازی بودن حملات سایبر است. به بیان دیگر، از آنجا که این حملات در عالم خارج اتفاق نمی‌افتند و سراسر آنها در عالم سایبر رخ می‌دهد، از این رو، بحث وقوع و عدم وقوع آن نمی‌تواند مورد داوری عموم واقع شود و به راحتی می‌تواند توجیه گردد.<sup>۱</sup>

۱. حال می‌توان به وضوح دید که چرا کشورهایی چون روسیه و ایالات متحده آمریکا پیش‌تاز اعلام این موضوع شده‌اند که حملات سایبر گونه‌ای از توسل به زور مسلحانه هستند. در مورد چنین بیانه‌هایی نگاه کنید به: Marco Roscini, 'World Wide Warfare – Jus ad bellum and the Use of Cyber Force', 14 Max Planck Yearbook of United Nations Law, 2010, pp 108–109.

نکته حیاتی این بحث، آنجا نمایان می‌شود که بحث دفاع مشروع‌های فرامنشوری (پیش‌گیرانه و پیش‌دستانه) به میان می‌آید. اگر بپذیریم که به هر حال (گرچه برخلاف ظاهر منشور ملل متحد)، در حقوق بین‌الملل کنونی، برخی دفاع‌مشروع‌ها قبل از وقوع حمله نیز مجاز می‌باشند<sup>۱</sup> و حملات سایبر نیز می‌توانند به مثابه توسل به زور تلقی شوند، کشورهای پیشرفته خواهند توانست با استناد به حمله سایبر قریب‌الوقوع و محتمل، به دفاع مشروع دست بزنند و جنگی به راه بیندازند که هیچ مبنایی در عالم خارج ندارد و هیچ واقعه‌ای در بیرون (اعم از حمله، تمهید برای حمله و...) مسبب آن نیست.

بنابراین، همان‌طور که برخی اشاره کرده‌اند،<sup>۲</sup> بر اساس حقوق موجود و بالفعل<sup>۳</sup> (و نه حقوق آرمانی بالقوه<sup>۴</sup> یا حقوقی که ممکن است در آینده مورد توجه قرار گیرد)<sup>۵</sup> می‌توان گفت زور سایبر، نوعی از انواع حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود بلکه نوعی جدید از زور می‌باشد که قابل تبیین تحت عنوان توسل به زور در مفهوم منشوری آن نیست و توالی خاص آن را در پی ندارد.

۱. جمشید ممتاز و همکار، تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل «منع تهدید و توسل به زور»، فصلنامه

راهبرد، ش ۶۳، تابستان ۱۳۹۱، ص ص ۱۷۵-۲۰۴.

2. Marco Benatar, 'The Use of Cyber Force: Need for Legal Justification?' in 1 Goettingen Journal of International Law, 2009, p 392.

3. Lex lata.

4. Lex ferenda.

۵. زیرا، تمام مباحث مربوط به سایبر، در مورد اعمال حقوق موجود در فضای سایبر می‌باشد،

Katharina Ziolkowski, 'Ius ad bellum in Cyberspace – Some Thoughts on the "Schmitt-Criteria" for Use of Force', in C. Czossek, R. Ottis and K. Ziolkowski (eds), 2012 4th International Conference on Cyber Conflict Proceedings (NATO CCD COE Publications: Tallinn, 2012, p 309.

## فهرست منابع

## الف) فارسی

۱. باستانی، برومند؛ *جرائم کامپیوتری و اینترنتی جلوه‌ای نوین از بزهکاری*، چاپ اول، انتشارات بهنامی، ۱۳۸۳.
۲. قاسمی، علی، ویکتور بارین؛ *حملات سایبری و حقوق بین‌الملل*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۸، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۵-۱۴۵.
۳. ممتاز، جمشید و صابری نصاری، بهزاد؛ *تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل «منع تهدید و توسل به زور»*، فصلنامه راهبرد، ش ۶۳، تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۷۵-۲۰۴.

## ب) لاتین

4. Belatchew Asrat, Prohibition of Force Under the UN Charter – A Study of Art. 2(4), Iustus Förlag: Uppsala, (1991).
5. Brier, Soren, Cybersemiotics and the Question of Knowledge, Information and Computation, Gordana Dodog-Crnkovic & Mark Burgin (eds), World Scientific Publishing, (2010).
6. Bruno Simma (ed.), The Charter of the United Nations – A Commentary, Volume I 2nd Edition, Oxford University Press, (2002).
7. Daniel B. Silver, 'Computer Network Attack as a Use of Force Under Article 2(4)', 76 U.S. Naval War College International Law Studies (2002).
8. Derek W. Bowett, 'Economic Coercion and Reprisals by States', 13 The Virginia Journal of International Law (1972).
9. Dinstein, Yoram Dinstein, 'Computer Network Attacks and Self-Defense', 76 U.S. Naval War College International Law Studies (2002).
10. Duncan B. Hollis, 'Why States Need an International Law for Information Operations', 11 Lewis & Clark Law Review (2007).
11. Hans Kelsen, Collective Security Under International Law, U.S. Naval War College: Newport, (1954).
12. Heather Harrison Dinness, *Cyber Warfare and the Laws of War*, Cambridge University Press, (2012).

13. Hilaire McCoubrey and Nigel D. White, *International Law and Armed Conflict*, Dartmouth Publishing Company: Aldershot, (1992).
14. Ian Brownlie, *International Law and the Use of Force by States*, Clarendon Press: Oxford, (1963).
15. Katharina Ziolkowski, '*Jus ad bellum in Cyberspace – Some Thoughts on the “Schmitt- Criteria” for Use of Force*', in C. Czossek, R. Ottis and K. Ziolkowski (eds), *2012 4<sup>th</sup> International Conference on Cyber Conflict Proceedings* (NATO CCD COE Publications: Tallinn, (2012).
16. Malcolm Shaw, *International Law*, 3rd Edition, Cambridge University Press, (1995).
17. Marco Benatar, '*The Use of Cyber Force: Need for Legal Justification?*' in 1 *Goettingen Journal of International Law* (2009).
18. Marco Roscini, '*World Wide Warfare – Jus ad bellum and the Use of Cyber Force*', 14 *Max Planck Yearbook of United Nations Law* (2010).
19. Michael N. Schmitt (ed.), *Tallinn Manual on the International Law Applicable to Cyber Warfare*, Cambridge University Press, (2013).
20. Michael N. Schmitt, '*Computer Network Attack and the Use of Force in International Law: Thoughts on a Normative Framework*', 37 *Columbia Journal of Transnational Law* (1999).
21. Oona Hathaway, Rebecca Crootof, William Perdue and Philip Levitz, '*The Law of Cyber- Attack*', 100 *California Law Review* (2012).
22. Reese Nguyen, '*Navigating Jus Ad Bellum in the Age of Cyber Warfare*', 101 *California Law Review*, (2013).
23. Zemanek, k., '*Armed Attack*', Max Planck Encyclopedia of Public International Law, Oxford: Oxford University Press, (2010).

#### ج) اسناد

24. Charter of the United Nations.
25. Declaration on the Enhancement of the Effectiveness of the Principle of Refraining from the Threat or Use of Force in International Relations, GA Res. 42/22, 18 November 1987.
26. Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua, (Nicaragua v. United States of America), Judgment, I. C. J. Reports 1986.

27. *The Corfu Channel Case (UK v. Albania)*, I. C. J. Pleadings (1950), Volume III. Oral Proceedings, Statement by Sir Eric Beckett (U.K.), Sitting of 12 November 1948.